



هرکس هرچیزی را به هر قیمتی می‌فروشد / «برو بین دلار چند شده است»

در یک ماه اخیر همه چیز در بازار گران شده است. فروشندگان به بهانه گران شدن ارز هرچیزی را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند حتی اگر آن کالا کاملا ساخت داخل باشد.

در یک ماه اخیر همه چیز در بازار گران شده است. فروشندگان به بهانه گران شدن ارز هرچیزی را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند حتی اگر آن کالا کاملا ساخت داخل باشد.

خبرگزاری مهر، گروه استان‌ها؛ بهنام عبداللهی: گرانی چیزی از ترافیک نکاسته است. راننده ترمز می‌کند. یکی از مسافران عقبی هزار تومان به سمت راننده دراز می‌کند. ماشین‌ها حرکت می‌کنند، ماشین ما هم حرکت می‌کند، راننده تقریباً مسن با صورت سوخته اش وقتی پول را لای پول‌هایش می‌گذارد، عرقش را با پشت دستش پاک می‌کند و بی‌آنکه کسی را خطاب قرار بدهد، می‌گوید: «بعد هم می‌گویند مردم پول ندارند، اگر پول ندارند چرا اینطور می‌ریزند بازار؟»

به مقصد که می‌رسیم، زنی که هزار تومان داده بود منتظر می‌ماند بقیه پولش را بگیرد و پیاده شود. اما راننده می‌گوید که بقیه ای در کار نیست: «از امروز صبح ۲۰۰ تومان آمده روی کرایه‌ها؛ خانم! زنی زیر لبش چیزهایی می‌گوید که من نمی‌شنوم؛ اما راننده در جوابش می‌گوید: «برو بین دلار چند شده است».

می‌رویم که ببینیم دلار چند شده است. بازار «امیر نو» تبریز، یکی از اصلی‌ترین پاساژهای خرید و فروش ارز و البته تجمع ارز فروشان و دلالان است. جای سوزن انداختن نیست!

«دلار دلار...»، «یورو یورو...»، «آقا دلار می‌فروشی؟»؛ یورو چند شد؟ کسی خبر داره؟ این سوال‌ها همان حوالی پاساژ پخش شده‌اند. حتی کسی اگر به فکر اقتصاد و پول نباشد، با گذر از مقابل پاساژ این سوال‌ها به گوشش می‌خورد و بعد شاید در پی آن باشد که جوابی برایشان پیدا کند. اگر کمی صبر کند، جوابش را هم خودشان می‌دهند: «یورو ۹ هزار تومان شد... دلار... دلار ۸ هزار تومان».

داخل پاساژ قیامت است. فقط چندتا از صرافی‌ها باز هستند و بقیه به دلایل و بهانه‌هایی بسته. یکی از مغازه‌ها نوشته بنابر دستور دولت، خرید و فروش ارز در این مکان تا اطلاع ثانوی صورت نمی‌گیرد. اما می‌گیرد، دلال‌هایی که دست‌شان گوشه‌ای است و کمرشان یک کیف که تند تند پر و خالی می‌شود، خرید و فروش‌های زیادی را صورت می‌دهند.

این پاساژ نسبتاً کوچک، روی تمام بازار اثر گذاشته است. از هر فروشنده‌ای که می‌پرسی چرا اینقدر گران، در جوابت می‌گوید: «دانی دلار امروز چند شده است؟»

خیابان دارایی تبریز که اصلی‌ترین مرکز عمده‌فروشی مواد غذایی به شمار می‌آید، پر از ماشین‌های بزرگ و رفت‌وآمد کارگران و هیاهوهای مدام است. همه چیز طبق یک ماه پیش است. عین همان روزهایی که دکتر روحانی برای افتتاح رویداد «تبریز ۲۰۱۸» به این شهر آمده بود و در سخنرانی‌هایش تاکید کرده بود که «اگر ترامپ از برجام خارج شود، ما هم برنامه‌های خودمان را داریم» یا «ترامپ با خروج از برجام یک پیشیمانی تاریخی برای آمریکا رقم خواهد زد».

حالا ترامپ از برجام خارج شده است و قیمت ارز، سکه، طلا و بسیاری از کالاها از ۵۰ درصد تا ۱۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

«حاج آقا باز شما می‌گویید سنگگ گران شده است، ما به همان لواشش هم قانع هستیم» این را یک خریدار به فروشنده‌ای در بازار سرپوشیده تبریز می‌گوید، می‌گوید و بعد می‌خندد به

چیزی که شاید در جاهای دیگر دنیا مستحق گریه باشد.

بازار کفش و چرم شلوغ و پر از مسافر است. اما عده کثیری فقط برای دیدن و گشتن آمده‌اند؛ چون داخل مغازه‌ها عمدتاً خالی است و فروشنده‌ها یا سرگرم موبایل‌شان هستند یا با یک دستمال به جان ویتترین افتاده‌اند. چه خبرهایی می‌توانند از داخل موبایل‌شان بخوانند؟ شاید اینکه دلار دوباره گران شده است و باید مقداری روی قیمت کفش‌ها بکشند. کفش‌هایی که صد درصد تولید داخلی است!

از بازار کفش و چرم به راحتی می‌توان وارد بازار آجیل و خشکبار شد. خوبی بازار سرپوشیده تبریز همین است که همه چیز یک‌جاست و هرکسی می‌تواند با قدم زدن در دالان‌های این بازار فاجعه‌ای را که در رگ‌های اقتصاد کشور جریان دارد را حس کند.

قیمت بسته از ۸۰ هزار تومان شروع می‌شود. خرده‌فروشی‌ها؛ ریزه‌فروشی‌ها؛ گردو که ضایعات محسوب می‌شوند به قیمت ۷۰ هزار تومان به فروش می‌رسند. فروشنده‌ها؛ می‌بینم که با یک دستمال روی آجیل‌ها را تمیز می‌کند و گرد و غبارشان را می‌گیرد.

استاندار آذربایجان شرقی گفته بود افزایش قیمت کالاها بی‌دلیل است، فرماندار تبریز گفته بود تعزیرات را ملزم کرده‌ایم که بر قیمت کالاها نظارت کنند. او گفته بود با شماره ۱۲۴ می‌توانید تماس بگیرید و گزارش تخلف در قیمت را بدهید. آدم باید این شماره را بگیرد و گوشی را به طرف بازار دراز کند و همینطور راه برود.

به غیر از بازار کیف و کفش و آجیل، دالان‌ها و راسته‌های دیگر بازار تاریخی تبریز در ازدحام خلوت به سر می‌برند. در راهی که به سمت یکی از خروجی‌ها می‌رویم، پیمایم، ۲ پیرمرد مغازه‌دار را می‌بینم که چهارپایه گذاشته‌اند و وسط بازار نشسته‌اند.

سابقه است این گرانی! حاج‌علی تو در این سال‌ها دیده بودی که قیمت ماشین در عرض یک ماه ۵۰ درصد گران‌تر شود؟ این را یکی از آن ۲ پیرمرد می‌گوید. دیگری با لحن منتقدانه‌ای جوابش را می‌دهد: «مرد مومن ۵۰ درصد کجا بود؟ تو بگو ۱۰۰ درصد! هر سال بعد از عید یک چیزهایی گران می‌شد اما نه این‌قدر!»

از بازار سرپوشیده خارج می‌شوم و به خیابان می‌روم. از هیاهوی جمعیت فقط یک چیز می‌توان شنید و آن هم این است که کمپین علی کریمی و نخریدن کالا به مدت یک ماه در همان اینستاگرام مانده است و این بیرون برای خریدن گوشت ۵۰ هزار تومانی مردم صف ایستاده‌اند.

به پاساژ میوه‌فروشان می‌روم. میوه‌هایی رنگین با قیمت‌هایی سنگین! کمتر میوه‌ای را می‌توان پیدا کرد که قیمتش از ۱۰ هزار تومان پایین بیاید. مسئله دشواری‌ست اینکه یک پدر بخواهد در روزهای گرم تابستان دست خالی به خانه نرود و از طرفی به قدری میوه بخرد که برای تمام اعضا خانواده برسد. در این پاساژ، ۲۵۰ گرم و نیم‌کیلو، رایج‌ترین مقداری است که از فروشندگان درخواست می‌شود.

اینجا بازار تبریز است. هرکس هرچیزی را با هر قیمتی که می‌خواهد می‌فروشد. مواد غذایی، لوازم خانگی، خودرو، ارز، طلا، موبایل، کامپیوتر، دوربین، میوه و هرآنچه که به خروج آمریکا از برجام مربوط هست و نیست، گران شده است. مردم دلشان از دولت پر است و دولت از هرج و مرج در بازار انتقاد می‌کند. چه کسی پاسخ می‌دهد؟

عکس‌ها از: بهنام عبداللهی